یک زن خوب مرد را کافی است

افسر

یک زن خوب مرد را کافی است‏ بیش از این هم دگر نمی‏شاید گر فزون شد ز عمر خواهد کاست‏ هیچ بر عیش هم نیفزاید از یکی بیش هرچه خواهی جفت‏ بجز اندوه و غم نمی‏زاید ایکه زین بیش خواهی و گوئی‏ که بقرآن خدای فرماید گر خدا گفت با عدالت گفت‏ وان ز دست تو برنمیاید بر سر زن اگر بخواهی زن‏ هیچک ز آندو می‏نیاساید گاه باشد زن از تو گیرد یاد چشم بر روی غیر بگشاید ور زن پارسا چنین نکند بهرکس خویش را نیاراید هرچه از شوی کجروی بیند راه صدق و صفا بپیماید پروراند بجان و دل فرزند جان در اینره نثار بنماید دل بدیگر زنی نباید داد مرد را هم خجالتی باید